تفاوت معنای فعل لازم، مجهول و مطاوعه :

ممکن است در برداشت اولیه و سطحی، سه جمله «بَعُدَ زیدٌ»، «بُوعِدَ زیدٌ» و «تَباعَدَ زیدٌ» همگی در فارسی به صورت «زید دور شد» معنا شود در حالی که در زبان عربی بین این سه مثال تفاوت های معنایی مهمی وجود دارد و با توجه به غرض گوینده در موارد مختلف، این سه جمله سه کاربرد متفاوت دارد. لذا شایسته است ضمن آشنایی با تفاوت معنایی این سه جمله، در ترجمه فارسی نیز تا حد امکان، این دقت های معنایی منتقل شود که در ادامه با نحوه ترجمه صحیح این جملات نیز آشنا می شویم. برای شناخت تفاوت جملات فوق از جهت معنایی، لازم است سه دسته تفاوت های زیر مد نظر قرار گیرد:

الف. تفاوت فعل مجهول و فعل لازم

همانطور که در درس یازدهم کتاب دانش صرف در قالب نکته پایانی مطرح شد، بین معنای فعل لازم و فعل مجهول تفاوت وجود دارد. در فعل لازم و جمله «بَعُدَ زیدٌ» شنونده، فاعل دور شدن را خود زید می داند و این سوال در ذهنش پدید نمی آید که چه کسی زید را دور کرد. (هر چند ممکن است در واقع کسی او را دور کرده باشد) اما در فعل مجهول و جمله «بُوعِدَ زیدٌ» [که مجهول شده «باعَدَ عمروٌ زیداً» است] شنونده، متوجه می شود که فاعلی وجود داشته که متکلم عمداً آن را در کلام نیاورده است و لذا برای او سوال می شود که چه کسی زید را دور کرد؟ با توجه به این نکته، ترجمه هر دو جمله فوق به «زید دور شد» صحیح نیست و لازم است برای انتقال تفاوت بیان شده از دو اسلوب برای ترجمه این جملات استفاده شود. به عنوان مثال می توان «بَعُدَ زیدٌ» را به «زید دور شد» و «بُوعِدَ زیدٌ» را به «زید رانده شد» ترجمه نمود.

ب. تفاوت مجهول و مطاوعه

همانطور که در درس های باب تفاعل، تفعّل، افتعال و انفعال در تعریف معنای مطاوعه آمده است، فعل مطاوعه بیانگر پذیرش اثر فعل از فاعل فعل دیگر است. بنابراین افعال مطاوعه ناظر به آثار افعال اند. این در حالی است که فعل مجهول تنها بیان گر پذیرش خود فعل است نه اثر فعل. بنابراین جمله «بُوعِدَ زیدٌ» تنها بیانگر این مطلب است که بر زید، فعل راندن واقع شده است و او مفعول این فعل بوده است اما نسبت به اینکه آیا او اثر این فعل را پذیرفته یا خیر، ساکت است. اما جمله «تَباعَدَ زیدٌ» گویای این مطلب است که علاوه بر اینکه فعل راندن از سوی فاعلی بر زید اتفاق افتاده، اثر آن فعل را نیز زید پذیرفته است و از آن فاعل فاصله گرفته است. با توجه به نکته فوق جمله «بَاعَدَ عمروٌ زیداً فما بوعد زیدٌ» صحیح نیست، زیرا وقتی عمرو فاعل فعل راندن و زید مفعول آن است، «ما بُوعِد» که به معنای عدم مفعولیت زید نسبت به این فعل است صحیح نیست. اما جمله «بَاعَدَ عمروٌ زیداً فما تباعد زیدٌ» است، زیرا صحیح است که بگوییم عمرو زید را دور کرد، اما زید آن را نپذرفت و دوباره به او نزدیک شد. در فارسی اسلوبی جهت بیان معنای مطاوعه یافت نشد و به نظر می آید جز با توضیح دادن، نمی توان حقیقت مطاوعه را در فارسی بیان نمود. لذا هر چند ترجمه «تَبَاعَدَ زیدٌ» به صورت «زید دور گردید» است، لکن باید توضیح داده شود که مراد از دورگشتن زید، پذیرش اثر از فاعل فعل دیگر است.

ج. تفاوت فعل لازم و فعل مطاوعه

بر اساس آنچه در دو نکته فوق گفته شد، فعل مطاوعه تصریح به اثر پذیری فاعل از فاعل فعل دیگر است و لذا جمله «تباعَدَ زیدٌ» گویای این مطلب است که زید اثر راندن را از فاعلی پذیرفته است و از او دور شده است. اما جمله لازم و «بَعُدَ زیدٌ» نسبت به اینکه آیا زید به واسطه اثرپذیری از فعل دیگری دور شده است یا اینکه خود او دور شده است ساکت است و صرفا گزارش می‌دهد که زید دور شده است.

 محمدرضا مدرسی